

محاسبه ارث در دو صورت عول و تعصیب

سیدعلی حسینی نژاد*

چکیده

مسئله عول و تعصیب یکی از موارد اختلافی بین دو مذهب شیعه و اهل تسنن است، به این صورت که در مواردی بعد از تقسیم ارث بین کسانی که سهام آنها در قرآن کریم ذکر شده، زیاده و نقصانی به وجود می‌آید که اهل تسنن در فرض زیادی، شیوه جاهلیت را پی گرفته و آن را بین ذکور تقسیم می‌کنند و در فرض نقصان، از همه وراث کم می‌کنند. اما شیعه با تمسک به عروة الوثقی و با استفاده از کلمات نورانی اهل بیت علیهم‌السلام در فرض زیاده، آن را بین همه وراث (غیر از شوهر و همسر) تقسیم کرده و در فرض نقصان فقط از ارث برخی از وراث کم می‌کنند. در این مقاله سعی شده است که به طور مختصر توضیحاتی درباره عول و تعصیب داده شود و به طور تفصیلی نحوه تقسیم ارث در این دو صورت بیان شود. باشد که مورد استفاده جویندگان علم و مورد رضای حضرت ولی عصر (أرواحنا له الفداء) قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

ارث، فریضه، سهم، عول، تعصیب

* طلبة پایه هفتم مدرسه شهیدین (ره)



مقدمه

در طول تاریخ بشر بعد از مرگ هر فرد، از اولین پرسش‌ها این بوده است که اموال به جا مانده از فرد برای چه کسی است؟ به همین علت در هر آیین و مذهب، قوانینی برای تقسیم این اموال وجود دارد.

دین مبین اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و در آن قوانینی درباره تقسیم اموال وجود دارد. مانند آیاتی که در قرآن کریم درباره سهم برخی از وراث بیان شده است. اما در این بین و در صورت‌هایی که ما ترک به کلی بین وراث تقسیم نشده و زیادی و نقصان دارد، اختلافاتی بین دو مذهب عامه و خاصه وجود دارد.

در اصطلاح به جایی که زیاده از ماترک نسبت به سهام ذکر شده در قرآن، وجود دارد «تعصیب» و در جایی که نقصان وجود دارد «عول» می‌گویند. در این مقاله ابتدا اصول اولیه تقسیم ارث و سهام سته در قرآن کریم بیان و در ادامه به بررسی اجمالی عول و تعصیب در دو مذهب عامه و خاصه و نظرات ایشان در این باره پرداخته شده است، در انتها هم به شکل تفصیلی نحوه محاسبه ارث در هشت صورت عول و تعصیب بیان شده است.

اصول تقسیم ارث

یکی از اسباب تملک فردی، ارث است که شارع مقدس آن را تأیید و به آن مشروعیت بخشیده است. نزد امامیه موجبات ارث دو چیز است: (۱) نسب؛ (۲) سبب که برای نسب، سه طبقه قائل شده‌اند:

- طبقه اول شامل پدر، مادر، فرزندان فرزندان میت می‌باشد.
- طبقه دوم شامل برادران، خواهران، فرزندان ایشان و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های میت است.
- طبقه سوم شامل عموها و دایی‌ها، عمه‌ها و خاله‌ها و فرزندان ایشان

می‌باشد.

و در نظر فقهای امامیه هر طبقه مانع (حاجب) طبقه بعدی می‌باشد و با بودن یک فرد از طبقه قبل، به طبقات بعدی ارث نمی‌رسد.^۲

سبب نیز بر دو قسم است: الف) زوجیت؛ ب) ولاء

در آیات قران کریم شش سهم برای برخی از وراث میت ذکر شده است که در اصطلاح به آن «فریضه» می‌گویند. خداوند در سوره نساء آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶ چنین می‌فرماید:

«۱۱- یُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِيْ اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنثٰى اِنْ كُنَّ نِسَاۗءً فَوْقَ اِثْنَيْنِ فَلِهِنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَاِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَاَلْبُوْنٰى لِكُلِّ وَاَحَدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ اِنْ كَانَ لَهُ وَاَلِدٌ فَاِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاَلِدٌ وَاَوْرَثَهُ اَبُوَاهُ فَلِاُمِّهِ الثُّلُثُ اِنْ كَانَ لَهُ اِخْوَةٌ فَلِاُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيْ بِهَا اَوْ دِيْنٍ اَبَاؤُكُمْ وَاَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُوْنَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيْضَةٌ مِّنَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا.

۱۲- وَاَلَكُمْ نِصْفَ مَا تَرَكَ اَزْوَاجُكُمْ اِنْ لَمْ يَكُنْ لِهِنَّ وَاَلِدٌ فَاِنْ كَانَ لِهِنَّ وَاَلِدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيْنَ بِهَا اَوْ دِيْنٍ وَاَلِهِنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ اِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَاَلِدٌ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ وَاَلِدٌ فَلِهِنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُوْنَ بِهَا اَوْ دِيْنٍ وَاِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كِلٰلَةً اَوْ اِمْرَاةً وَاَلَهُ اَخٌ اَوْ اُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاَحَدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ اِنْ كَانُوْا اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهَمْ شُرَكَاءُ فِي الْاَثْمَانِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيْ بِهَا اَوْ دِيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَاَللّٰهُ عَلِيْمٌ حَلِيْمٌ.

۱۷۶- يَسْتَفْتُوْكَ قُلُوبُ اللّٰهِ يُفْتِيْكُمْ فِي الْكِلٰلَةِ اِنْ اَمْرُوْهُ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَاَلِدٌ وَاَلَهُ اُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَاِنْ يَرِثُهَا اِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَاَلِدٌ فَاِنْ كَانَتْ اِثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا

۲. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح لمعة الدمشقیة، ج ۴ ص ۱۵۷ و ۱۵۸



الثَّلَاثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ
اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضَلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.»

با این حساب سهام ششگانه در قرآن کریم بدین شرح است:

نصف (یک دوم): ۱- شوهر بدون فرزند ۲- تک دختر پدری و مادری ۳- تک خواهر پدری.

نصف النصف (یک چهارم): ۱- شوهر همراه فرزند برای خانم ۲- خانم بدون فرزند برای شوهر.

نصف النصف النصف (یک هشتم): خانم با وجود فرزند برای شوهر.

ثلثان (دو سوم): دو دختر به بالا (به هر تعداد که باشند با هم دو سوم می‌گیرند)
۲- دو خواهر پدری و مادری در صورت عدم وجود خواهر پدری و مادری، خواهر پدری ارث می‌برد.

یک سوم: ۱- مادر (در صورت عدم حجب، یعنی نبود فرزند و خواهر و برادر برای میت) ۲- برادران و خواهران مادری.

یک ششم: ۱- پدر و مادر در صورت بودن فرزند ۲- مادر در صورت وجود برادر و خواهر ۳- تک خواهر و تک برادر مادری.

در تقسیم ارث، ابتداء ارث کسانی که در قرآن کریم برای آن‌ها سهم ذکر شده است، محاسبه شده و اضافه آن بین باقی وراث با رعایت طبقات ارث که بیان شد، تقسیم می‌شود البته با رعایت این نکته که مردها دو برابر زن‌ها ارث می‌برند.

در ادامه مسئله تقسیم ارث به دو بحث مهم برخورد می‌کنیم که به آن «عول» و «تعصیب» می‌گویند، سرچشمه این بحث از آنجا شروع می‌شود که سهام ارث به شکلی که در آیات گذشته بیان شد، گاهی از مجموع مال کمتر، و گاهی بیشتر است که همین منشأ اختلاف بین دو مذهب عامه و خاصه شده است. در ابتدا به بیان معنای عول و تعصیب در اصطلاح فقها می‌پردازیم:



معنای عول

مرحوم صاحب جواهر رحمته الله در تعریف عول می‌فرماید:

«مراد از عول زیاده فریضه نسبت به کل ماترک است به صورتی که نسبت به

سهم هریک از ورثه، به صورت مساوی نقص وارد می‌شود.»^۳

برای کلمه عول در لغت چند معنا ذکر شده است مانند: میل به سمت جور، ارتفاع و بلندی یک طرف نسبت به طرف دیگر یک چیز، کثرت عیال^۴ که هر کدام از این معانی با معنای اصطلاحی آن متناسب است.

معنای تعصیب

مرحوم صاحب جواهر رحمته الله می‌فرماید:

«و هو توريث ما فضل عن السهام من كان من العصبية، و هم الابن و الأب و

من تدلى بهما من غير رد على ذی السهام»^۶

بدین ترتیب هر گاه ترکه میت بیش از سهام صاحبان فروض باشد، بعد از دادن نصیب هر یک از آنها، باز هم مقداری اضافه بیاید، در این صورت آن را به عصبه می‌دهند نه ذوی السهام.

در کتاب مصباح المنیر در خصوص معنای عصبه آمده است:

«العصبية، القرابة الذكور الذين يدلون بالذكور هذا ما قاله أئمة اللغة و هو جمع

۳. «و المراد به زیادة الفریضة لقصورها عن سهام الورثة على وجه يحصل به النقص على الجميع

بالنسبة» (محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۹، ص ۱۰۶)

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۴۸

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۸۱ و ۴۸۲

۶. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۹، ص ۹۹

عاصب مثل کفرة و کافر و لاتكون المرأة عصبه لا لغة و لا شرعا.»^۷

بنابر این افراد عصبه منحصرند به خویشاوند ذکوری که قرابت آنان به سبب خویشاوند ذکور (مثل پدربزرگ، پسرپسر، برادر، عمو، پسران ایشان) باشد و تصریح کرده است که زن بر حسب لغت و شرع از عصبه نیست و این کلمه به ذکور اختصاص دارد و قول مزبور را به ائمه لغت نسبت داده است که زن مطلقاً عصبه نمی‌باشد.

عول و تعصیب نزد امامیه

در مسئله عول از فقهای اهل سنت نقل شده است که ایشان در صورت عول، از سهم همه وراثت به نسبت مساوی کم می‌کنند. اما در بین فقهای شیعه مسلم است که عول در فرائض وجود ندارد و دلیلشان این است که محال است خداوند حکیم فرائضی را در کتاب خود بیان کند، ولی در این فرائض نسبت به ماترک نقص وجود داشته باشد و قطعاً خداوند متعال قانون و روشی را برای تقسیم ماترک در این فروض قرار داده است. همچنین روایت بسیار زیادی در این باب وجود دارد که به عنوان مثال چند نمونه از آن را ذکر می‌کنیم:

«امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: کسی تعداد شن‌ها در تپه‌های شنی را می‌داند (کنایه از کثرت)، قطعاً می‌داند که آن چه از سهام در قرآن ذکر کرده است، بیشتر از شش سهم نمی‌شود (بدین معنا که برای تقسیم آن چه زیاده می‌آید هم اصولی وجود دارد).»^۸

«عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام رَبَّمَا أُعِيلَ السَّهَامُ حَتَّى يَكُونَ عَلَى

۷. احمد بن محمد مقرئ فیومی، المصباح المنیر، ص ۴۱۲

۸. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الَّذِي يَعْلَمُ رَمْلَ عَالِجٍ - لَيَعْلَمُ أَنَّ الْفَرَائِضَ لَا تَعُولُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ سِتَّةٍ.

(محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۷۳)



الْمَاةِ أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ فَقَالَ لَيْسَ تَجُوزُ سِتَّةٌ ثُمَّ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ
 إِنَّ الَّذِي أَحْصَى رَمْلَ عَالِجٍ لَيَعْلَمُ أَنَّ السَّهَامَ لَا تَعُولُ عَلَى سِتَّةٍ لَوْ يُبْصِرُونَ وَجْهَهَا
 لَمْ تَجْزُ سِتَّةً.»^۹

اما در مسئله تعصیب نظر فقهای اهل سنت این است که زیاده از ماترک باید بین
 عصبه تقسیم شود ولی فقهای شیعه می‌فرمایند که قول فقهای اهل سنت به دلیل عموم
 آیه اولی الارحام و روایات متواتره از اهل بیت علیهم‌السلام باطل است.^{۱۰}
 «از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شد، مال باقی مانده از میت برای چه کسی است؟
 خویشاوندان یا عصبه (خویشاوندان ذکور)؟ ایشان جواب دادند: مال برای
 خویشاوندان است و به عصبه چیزی نمی‌رسد.»^{۱۱}

قاعده تقسیم ارث در صورت عول و تعصیب نزد امامیه

در فقه شیعه در صورت تعصیب، زیاده از ماترک بین جمیع اقرباء میت (با رعایت
 طبقات) تقسیم می‌شود مگر شوهر و همسر که بنابر روایات نه نقصی به مقدار سهم
 آن‌ها وارد می‌شود و نه زیاده‌ای از ارث می‌برند.^{۱۲}
 اما در صورت عول، به کسانی که برای سهم آن‌ها در قرآن کریم حداقل و حداکثر
 بیان شده است نقصی وارد نمی‌شود. بنابراین نقص به سهم پدر، مادر، شوهر و همسر

۹. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۷، ص ۷۹

۱۰. شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۴، ص ۱۸۰

۱۱. «عَنْ حُسَيْنِ الرَّزَّازِ قَالَ: أَمَرْتُ مَنْ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمَالَ لِمَنْ هُوَ - لِلْأَقْرَبِ أَوْ الْعَصَبَةِ - فَقَالَ
 الْمَالَ لِلْأَقْرَبِ - وَالْعَصَبَةُ فِي فِيهِ التُّرَابُ.» (محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶،
 ص ۸۵)

۱۲. شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۴، ص ۱۸۰



وارد نمی‌شود.^{۱۳}

بنابر این هشت صورت در وراثت میت وجود دارد که در آنها عول و تعصیب به وجود می‌آید، چهار صورت برای تعصیب و چهار صورت برای عول. در ادامه تلاش شده است که طبق محاسباتی که شهید ثانی رحمته الله علیه در کتاب *الروضه البهیة* انجام داده است، مقدار سهم وراثت از ماترک حساب شود و در نهایت عدد کسری نیز باقی نماند.

صورت‌های چهارگانه تعصیب:

- پدر و مادر و تک دختر و همسر
- یکی از پدر و مادر و تک دختر و شوهر
- یکی از پدر و مادر و دو دختر و همسر
- یکی از پدر و مادر و تک دختر و همسر

صورت اول تعصیب

صورت اول تعصیب جایی است که وراثت میت پدر و مادر و تک دختر و همسر باشند:

مرحله اول: ابتدا نسبت فریضة هر یک از این افراد را با یکدیگر جمع می‌کنیم تا نسبت کلی به دست بیایید:

$$\frac{23}{24} = \frac{1}{8} + \frac{1}{2} + \frac{2}{6} = \text{پدر و مادر + دختر + همسر}$$

مرحله دوم: تعصیب در همسر وجود ندارد پس نسبت وی خارج می‌شود:

$$\frac{5}{6} = \frac{2+3}{6} = \frac{1}{2} (\text{سهم دختر}) + \frac{2}{6} (\text{سهم پدر و مادر})$$

۱۳. شهید ثانی، *الروضه البهیة*، ج ۴، ص ۱۸۳ و ۱۸۴



مرحله سوم: در این مرحله حاصل جمع بین سهام پدر و مادر و دختر را در مخرج کلی ضرب می‌کنیم تا عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری نیز باقی نماند:

$$۲ \text{ (سهام پدر و مادر)} + ۳ \text{ (سهام دختر)} = ۵ \times ۲۴ \text{ (مخرج کلی)} = ۱۲۰$$

مرحله چهارم: این عدد (۱۲۰) باید بین همه پخش شود حتی همسر، پس به

نسبت هر کدام این عدد را تقسیم می‌کنیم:

$$\frac{۱۲۰}{۸} \text{ (سهام همسر)} + \frac{۱۲۰}{۲} \text{ (سهام دختر)} + \frac{۲۴۰}{۶} \text{ (سهام پدر و مادر)} = ۱۵ + ۶۰ + ۴۰ = ۱۱۵$$

مرحله پنجم: با این حال مشاهده می‌شود که از مقدار کلی ماترک ۵ سهم زیاد می‌آید که باید بین پدر و مادر و دختر با نسبتی که در مرحله سوم گذشت تقسیم شود:

$$۱۵ = (۴۰+۲) + (۶۰+۳) + ۱۵ = (سهام همسر) + (سهام دختر) + (سهام پدر و مادر) = ۱۲۰$$

صورت دوم تعصیب

صورت دوم تعصیب جایی است که وراثت میت یکی از پدر و مادر و تک دختر و شوهر باشند:

مرحله اول: ابتدا نسبت فریضه هریک از این افراد را با یکدیگر جمع می‌کنیم تا

نسبت کلی به دست بیاید:

$$\frac{۱۱}{۱۲} = \frac{۱}{۴} + \frac{۱}{۲} + \frac{۱}{۶} = \text{شوهر} + \text{دختر} + \text{پدر و مادر}$$

مرحله دوم: تعصیب در شوهر وجود ندارد پس نسبت وی خارج می‌شود:

$$\frac{۱}{۶} = \frac{۳+۱}{۶} = \frac{۱}{۲} \text{ (سهام دختر)} + \frac{۱}{۶} \text{ (سهام یکی از پدر و مادر)}$$

مرحله سوم: در این مرحله حاصل جمع بین سهام یکی از پدر و مادر و دختر را



در مخرج کلی ضرب می‌کنیم تا عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری در انتها باقی نماند:

$$۱ \text{ (سهم یکی از پدر و مادر)} + ۳ \text{ (سهم دختر)} = ۴ \times ۱۲ \text{ (مخرج کلی)} = ۴۸$$

مرحله چهارم: این عدد (۴۸) باید بین همه پخش شود حتی شوهر، پس به نسبت هر کدام این عدد را تقسیم می‌کنیم:

$$\frac{۴۸}{۴} \text{ (سهم شوهر)} + \frac{۴۸}{۲} \text{ (سهم دختر)} + \frac{۴۸}{۶} \text{ (سهم یکی از پدر و مادر)} = ۱۲ + ۲۴ + ۸ = ۴۴$$

مرحله پنجم: با این حال مشاهده می‌شود که از مقدار کلی ما ترک ۴ سهم زیاد می‌آید که باید بین یکی از پدر و مادر و دختر بانسبتی که در مرحله سوم گذشت تقسیم شود:

$$۱۲ + (۲۴ + ۳) + (۸ + ۱) = ۱۲ \text{ (سهم شوهر)} + ۲۷ \text{ (سهم دختر)} + ۹ \text{ (سهم یکی از پدر و مادر)} = ۴۸$$

صورت سوم تعصیب

صورت سوم تعصیب جایی است که وراثت میت یکی از پدر و مادر و دو دختر و همسر باشند:

مرحله اول: ابتدا نسبت هریک از این افراد را با یکدیگر جمع می‌کنیم تا نسبت کلی به دست بیاید:

$$\frac{۲۳}{۲۴} = \frac{۱}{۸} + \frac{۲}{۳} + \frac{۱}{۶} = \text{همسر} + \text{دو دختر} + \text{پدر و مادر}$$

مرحله دوم: تعصیب در همسر وجود ندارد پس نسبت وی خارج می‌شود:

$$\frac{۱}{۶} \text{ (سهم یکی از پدر و مادر)} + \frac{۲}{۳} \text{ (سهم دو دختر)} = \frac{۴+۱}{۶} = \frac{۵}{۶}$$

مرحله سوم: در این مرحله حاصل جمع بین سهام یکی از پدر و مادر و دو دختر را در مخرج کلی ضرب می‌کنیم تا عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری در انتها باقی نماند:



۱ (سهم یکی از پدر و مادر) + ۴ (سهم دو دختر) = 5×24 (مخرج کلی) = ۱۲۰
 مرحله چهارم: این عدد (۱۲۰) باید بین همه پخش شود حتی همسر، پس به نسبت هر کدام این عدد را تقسیم می‌کنیم:

$\frac{120}{8}$ (سهم شوهر) + $\frac{240}{3}$ (سهم دختر) + $\frac{120}{6}$ (سهم یکی از پدر و مادر) = $15 + 80 + 20 = 115$
 مرحله پنجم: با این حال مشاهده می‌شود که از مقدار کلی ما ترک ۵ سهم زیاد می‌آید که باید بین یکی از پدر و مادر و دو دختر با نسبتی که در مرحله سوم گذشت تقسیم شود:

$$15 + (4+8) + (20+1) = 15 + (سهم همسر) + 84 + (سهم دو دختر) + 21 (سهم یکی از پدر و مادر) = 120$$

صورت چهارم تعصیب

صورت چهارم تعصیب جایی است که وراثت میت یکی از پدر و مادر و تک دختر و همسر باشند:
 مرحله اول: ابتدا نسبت هریک از این افراد را با یکدیگر جمع می‌کنیم تا نسبت کلی به دست بیاید:

$$\frac{19}{24} = \frac{1}{8} + \frac{1}{2} + \frac{1}{6} = \text{همسر} + \text{دختر} + \text{مادر و پدر و یکی}$$

مرحله دوم: تعصیب در همسر وجود ندارد پس نسبت وی خارج می‌شود:

$$\frac{1}{6} = \frac{3+1}{6} = \frac{1}{3} + \frac{1}{6} = (\text{سهم دختر}) + (\text{سهم یکی از پدر و مادر})$$

مرحله سوم: در این مرحله حاصل جمع بین سهام یکی از پدر و مادر و دختر را در مخرج کلی ضرب می‌کنیم تا عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری در انتها باقی نماند:

$$1 (\text{سهم یکی از پدر و مادر}) + 3 (\text{سهم دختر}) = 4 \times 24 (\text{مخرج کلی}) = 96$$

مرحله چهارم: این عدد (۹۶) باید بین همه پخش شود حتی همسر، پس به نسبت



هرکدام این عدد را تقسیم می‌کنیم:

$$\frac{96}{8} (\text{سهم همسر}) + \frac{96}{2} (\text{سهم دختر}) + \frac{96}{6} (\text{سهم پدر و مادر}) = 12 + 48 + 16 = 76$$

مرحله پنجم: با این حال مشاهده می‌شود که از مقدار کلی ما ترک ۲۰ سهم زیاد می‌آید که باید بین یکی از پدر و مادر و دختر با نسبتی که در مرحله سوم گذشت تقسیم شود:

$$96 = 12 + (48+15) + (16+5) = 12 (\text{سهم همسر}) + 63 (\text{سهم دختر}) + 21 (\text{سهم یکی از پدر و مادر}) = 96$$

صورت‌های چهارگانه عول

- پدر و مادر و دو دختر و همسر
- یکی از پدر و مادر و دو دختر و شوهر
- پدر و مادر و دو دختر و شوهر
- پدر و مادر و دختر و شوهر

صورت اول عول

صورت اول عول جایی است که وراثت میت پدر و مادر و دو دختر و همسر باشند:

مرحله اول: ابتدا نسبت فریضه هر یک از این افراد را با یکدیگر جمع می‌کنیم تا نسبت کلی به دست بیایید:

$$\frac{27}{24} = \frac{1}{8} + \frac{2}{3} + \frac{2}{6} = \text{پدر و مادر + دو دختر + همسر}$$

مرحله دوم: عول در همسر و پدر و مادر وجود ندارد پس نسبت ایشان خارج می‌شود و فقط سهم دو دختر باقی می‌ماند:

$$\frac{2}{3} (\text{سهم دو دختر})$$



مرحله سوم: در این مرحله سهم دو دختر را در مخرج کلی ضرب می‌کنیم تا عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری در انتها باقی نماند:

$$۲(\text{سهم دو دختر}) \times ۲۴ = (\text{مخرج کلی}) = ۴۸$$

مرحله چهارم: این عدد (۴۸) باید بین همه پخش شود حتی همسر و پدر و مادر، پس به نسبت هرکدام این عدد را تقسیم می‌کنیم:

$$\frac{۴۸}{۸} (\text{سهم همسر}) + \frac{۴۸}{۳} (\text{سهم دو دختر}) + \frac{۴۸}{۶} (\text{سهم پدر و مادر}) = ۱۶ + ۳۲ + ۶ = ۵۴$$

مرحله پنجم: با این حال مشاهده می‌شود که از مقدار کلی ما ترک ۶ سهم کم می‌آید که باید از دو دختر کسر شود:

$$۴۸ = ۱۶ + (۳۲ - ۶) + ۶$$

صورت دوم عول

صورت دوم عول جایی است که وراثت میت یکی از پدر و مادر و دو دختر و شوهر باشند:

مرحله اول: ابتدا نسبت هر یک از این افراد را با یکدیگر جمع می‌کنیم تا نسبت کلی به دست بیاید:

$$\frac{۱۳}{۱۲} = \frac{۱}{۴} + \frac{۲}{۳} + \frac{۱}{۶} = \text{شوهر} + \text{دو دختر} + \text{پدر و مادر}$$

مرحله دوم: عول در شوهر و یکی از پدر و مادر وجود ندارد پس نسبت ایشان خارج می‌شود و سهم دختر باقی می‌ماند:

$$\frac{۲}{۳} (\text{سهم دو دختر})$$

مرحله سوم: در این مرحله سهم دختر را در مخرج کلی ضرب می‌کنیم تا عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری در انتها باقی



نماند:

$$۲ \text{ (سهم دو دختر)} \times ۱۲ \text{ (مخرج کلی)} = ۲۴$$

مرحله چهارم: این عدد (۲۴) باید بین همه پخش شود حتی شوهر و یکی از پدر

و مادر، پس به نسبت هرکدام این عدد را تقسیم می‌کنیم:

$$\frac{۲۴}{۴} \text{ (سهم همسر)} + \frac{۴۸}{۳} \text{ (سهم دو دختر)} + \frac{۲۴}{۶} \text{ (سهم یکی از پدر و مادر)} = ۶ + ۱۶ + ۴ = ۲۴$$

مرحله پنجم: با این حال مشاهده می‌شود که از مقدار کلی ما ترک ۲ سهم کم

می‌آید که باید از دختر کسر شود:

$$۲۴ = ۴ + (۱۶ - ۲) + ۶$$

صورت سوم عول

صورت سوم عول جایی است که وراثت میت پدر و مادر و دو دختر و شوهر

باشند:

مرحله اول: ابتدا نسبت هریک از این افراد را با یکدیگر جمع می‌کنیم تا نسبت

کلی به دست بیاید:

$$\frac{۱۵}{۱۲} = \frac{۱}{۴} + \frac{۲}{۳} + \frac{۲}{۶} = \text{شوهر} + \text{دو دختر} + \text{مادر}$$

مرحله دوم: عول در شوهر و پدر و مادر وجود ندارد پس نسبت ایشان خارج

می‌شود و سهم دختر باقی می‌ماند:

$$\frac{۲}{۳} \text{ (سهم دو دختر)}$$

مرحله سوم: در این مرحله سهم دو دختر را در مخرج کلی ضرب می‌کنیم تا

عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری در انتها

باقی نماند:

$$۲ \text{ (سهم دو دختر)} \times ۱۲ \text{ (مخرج کلی)} = ۲۴$$



مرحله چهارم: این عدد (۲۴) باید بین همه پخش شود حتی شوهر و پدر و مادر، پس به نسبت هر کدام این عدد را تقسیم می کنیم:

$$\frac{24}{4} (\text{سهم شوهر}) + \frac{48}{3} (\text{سهم دو دختر}) + \frac{48}{6} (\text{سهم پدر و مادر}) = 8 + 16 + 8 = 30$$

مرحله پنجم: با این حال مشاهده می شود که از مقدار کلی ما ترک ۶ سهم کم می آید که باید از دختر کسر شود:

$$24 = 8 + (16 - 6) + 6$$

صورت چهارم عول

صورت چهارم عول جایی است که وراثت میت پدر و مادر و تک دختر و شوهر باشند:

مرحله اول: ابتدا نسبت هریک از این افراد را با یکدیگر جمع می کنیم تا نسبت کلی به دست بیاید:

$$\frac{15}{12} = \frac{1}{4} + \frac{1}{2} + \frac{2}{6} = \text{شوهر} + \text{دختر} + \text{مادر}$$

مرحله دوم: عول در شوهر و پدر و مادر وجود ندارد پس نسبت ایشان خارج می شود و سهم دختر باقی می ماند:

$$\frac{1}{4} (\text{سهم دختر})$$

مرحله سوم: در این مرحله سهم دختر را در مخرج کلی ضرب می کنیم تا عددی به دست بیاید که در انتها بین همه وراثت تقسیم شود و عدد کسری در انتها باقی نماند:

$$1 (\text{سهم دختر}) \times 12 (\text{مخرج کلی}) = 12$$

مرحله چهارم: این عدد (۱۲) باید بین همه پخش شود حتی همسر و پدر و مادر، پس به نسبت هر کدام این عدد را تقسیم می کنیم:



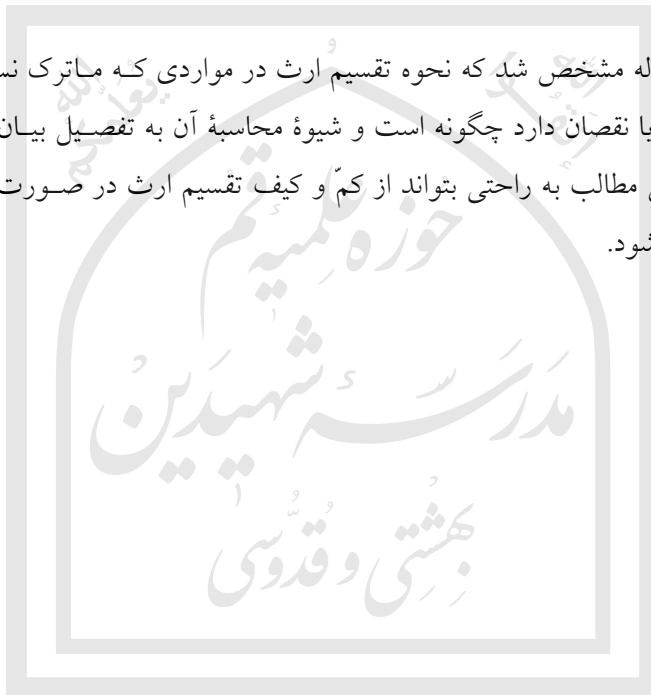
$$\frac{12}{4} (\text{سهم شوهر}) + \frac{12}{2} (\text{سهم دختر}) + \frac{24}{6} (\text{سهم پدر و مادر}) = 4 + 6 + 3 = 13$$

مرحله پنجم: با این حال مشاهده می‌شود که از مقدار کلی ما ترک ۱ سهم کم می‌آید که باید از دختر کسر شود:

$$13 = 4 + (6-1) + 3$$

نتیجه

در این مقاله مشخص شد که نحوه تقسیم ارث در مواردی که ماترک نسبت به فرائض زیاد یا نقصان دارد چگونه است و شیوه محاسبه آن به تفصیل بیان شد تا طالب فهم این مطالب به راحتی بتواند از کم و کیف تقسیم ارث در صورت عول و تعصیب آگاه شود.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دار‌احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح لمعة الدمشقیة*، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۴۳۱ ه.ق.
۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۵. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۶. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۷. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، منشورات دارالرضی، چاپ اول، بی تا.
۸. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البتین، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.